

نشست

و برنامه درسی ملی

نصرالله دادار

ارتباط وسیعی با اهداف و انتظارات نظام آموزش و پرورش دارد. بر همین اساس، ما می‌خواهیم شأن مجلات رشد از کمک آموزشی و در حاشیه بودن متحول شود و به متن آموزشی و تربیتی تغییر یابد. مجلات باید به‌عنوان نوعی محیط یادگیری مکتوب قلمداد شوند.

وی افزود: «ما در برنامه درسی ملی، محیط یادگیری را به معنای رایج آن، یعنی کلاس و مدرسه، تعریف نکرده‌ایم، بلکه براساس این سند، محیط یادگیری را محیط متنکتری می‌دانیم که باید در یک مجموعه منسجم و هم‌افزا دیده شود؛ پس محیط یادگیری، اساساً یک فضای مکانی محض

نشست «هم‌اندیشی مجلات رشد و برنامه درسی ملی»، دوشنبه سوم خرداد ماه ۸۹ در خانه معلم منطقه یک آموزش و پرورش شهر تهران برگزار شد.

در این نشست که با حضور آقایان محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات کمک آموزشی، حجت الاسلام علی ذوعلم، مدیر طرح برنامه درسی ملی، سردبیران مجلات رشد و تعدادی از کارشناسان و همکاران طرح برنامه درسی ملی برگزار شد، حجت الاسلام ذوعلم، طی سخنانی، ضمن تشریح ابعاد متفاوت برنامه درسی ملی، گفت: «برنامه درسی ملی به مثابه قانون اساسی نظام آموزشی و تربیتی است و

شأن مجلات رشد
باید از کمک
آموزشی و حاشیه
بودن، به متن
آموزشی و تربیت
تغییر یابد. مجلات
باید به‌عنوان نوعی
محیط یادگیری
مکتوب قلمداد شوند





شخصیت

بارز، مقاوم، نستوه،
مؤمن، مطمئن، صمیمی،
مردمی و هوشیار امام
خمینی (ره)، جاذبه
خاصی برای الگوشدن
داشت. حتی از مرتبه
الگوی محض خارج
شده و به عنوان یک
مرد شد، راهنمای عمل
همگان بود. اطرافیان
و حواریان امام نیز در
این مبارزه همراه و
هم گام او بودند

نیست.»

مدیر طرح برنامه درسی ملی با بیان این نکته که جایگاهی که ما برای مجلات رشد در برنامه درسی ملی مدنظر داریم، با جایگاه فعلی آن‌ها قابل مقایسه نیست، گفت: «اولین چیزی که برنامه درسی ملی از مجلات رشد مطالبه می‌کند، تأکید بر چشم‌انداز برنامه درسی ملی است.»

کلیدواژه‌هایی که در چشم‌انداز به‌کار رفته‌اند، کاملاً قابلیت آنرا دارند که مصادیق و راه‌کارهایشان یک‌به‌یک در مجلات رشد تبیین شوند. برنامه‌های درسی و تربیتی ما، که مجلات رشد هم حلقه‌ای از منابع این برنامه‌ها هستند، باید: ۱. منسجم؛ ۲. متعادل؛ ۳. کارآمد؛ ۴. نشاط‌آفرین؛ ۵. پویا؛ ۶. انعطاف‌پذیر باشند. این شش واژه، برای مجلات رشد پیام روشنی دارند.»

حجت‌الاسلام ذوعلم سخنان خود را چنین ادامه داد: «دومین مطلبی که برای ما بسیار مهم و اثرگذار است، اهداف و الگوی هدف‌گذاری در این برنامه است. در این بخش، بحث‌های ظریف و دقیقی درباره انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و... وجود دارد و می‌خواهد به خواننده یا دانش‌آموز بینش یا جهان‌بینی بدهد. همه می‌دانند که مهم‌ترین عنصر مبنایی و اثرگذار در تعادل بین مربی و متربی، جهان‌بینی و نگرش‌هاست. تمام عناصر تعلیم و تربیت در فضای نگرشی و فکری تنفس می‌کنند. اگر آن فضا، فضای زلالی نباشد، همه ناپاکی‌ها و نارسایی‌ها منتقل خواهند شد. در آسیب‌شناسی نظام تعلیم و تربیت رایج و رسمی جاری، مهم‌ترین آسیب، نوع نگاه و نگرشی است که در این نظام نسبت به معلم، متعلم، جهان‌هستی، علم، اخلاق و دین وجود دارد. ما به دنبال چه خروجی‌هایی هستیم؟ ما به دنبال تربیت دانش‌آموزانی فکور، عاقل و اندیشه‌ورز هستیم. کلیدواژه اساسی خروجی ما، تفکر، تعقل و اندیشه‌ورزی است. مجلات رشد باید مخاطبان خودشان را به این کلیدواژه‌ها نزدیک کنند. کمک کنند تا مخاطب به تفکر، خلاقیت، تولید، تعقل و اندیشه‌ورزی برسد. ما برای پرورش ایمان نسل آینده مسئول هستیم. ما فقط مسئول نیستیم که یک رشته محفوظات در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم تا بتوانند در کنکور قبول شوند. ما باید به دانش‌آموزان یک سلسله مهارت‌هایی را بیاموزیم که با آن‌ها زندگی خودشان را سروسامان دهند و حتی به آن نفس مطمئنه و خودباوری عمیق دست پیدا کنند.»

که در حال حاضر به آن دانش‌آموز می‌گوییم. متربی کسی است که تحت تربیت علمی، اخلاقی، ایمانی و ابعاد، جهت‌ها و ساخت‌های گوناگون تربیتی است. این تلقی از متربی، باید به‌واسطه معلمان که مخاطب مجلات رشد هستند، و هم‌چنین، به‌واسطه نشریات رشد دانش‌آموز، نوجوان و جوان خود را نشان دهد. متربی در فرایند یاددهی-یادگیری نقش فعال دارد، نه منفعل. دانش‌آموز خودش دانش‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌هایش را تعیین می‌کند.

مدرسه زندگی

تلقی از مدرسه و بحث مدرسه زندگی، در حقیقت شعار برنامه درسی ملی از همان چهارسال قبل است که در جریان تولید قرار گرفت. برنامه درسی ملی گامی به سوی مدرسه زندگی است.

یکی از مطالبات جدی از مجلات رشد، تقویت، تعمیق و تثبیت نگرشی است که نسبت به مدرسه زندگی باید در برنامه آموزش و پرورش به‌وجود بیاید. ارتباط مدرسه زندگی با قواعد، ضوابط و آیین‌نامه‌ها، ارتباط درجه اول نیست که بگوییم تا وقتی قواعد عوض نشده و قوانین تغییر نکرده است، مدرسه زندگی نمی‌تواند تحقق پیدا کند.

اگر در همین وضعیت فعلی و کنونی، آن نگاه و نگرشی که درباره مدرسه زندگی وجود دارد، تبیین شود و مدیران و معلمان مدارس ما نسبت به این مسئله توجه و همراه و هم‌دل شوند، حتماً لایه‌های زیادی از آن قابل تحقق است. همان‌طور که امروز برخی از مدارس دولتی یا غیردولتی توانسته‌اند شاخص‌هایی از مدرسه زندگی را در نظام مدرسه تحقق بخشند.

بسته‌های آموزشی باز

نکته بعد، ایده «بسته آموزشی باز» است که در برنامه درسی ملی مطرح شده و بسیار مهم است. براساس اصول

حوزه‌های یادگیری

سومین نکته، حوزه‌های یادگیری است. براساس برنامه درسی ملی، حوزه‌های یادگیری شامل حوزه‌های تفکر و حکمت، قرآن و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، فرهنگ، هنر، کار و فناوری، سلامت و تربیت بدنی، علوم انسانی، مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم تجربی، زبان‌های خارجی و آداب و مهارت‌های زندگی است.

تلقی از متربی

چهارمین مسئله، تلقی از متربی است. متربی همان است

براساس سند برنامه
درسی ملی، محیط
یادگیری به فضای
کلاس محدود
نمی‌شود. محیط
یادگیری، محیط
متکثری است که
باید در یک مجموعه
منسجم و هم‌افزای دیده
شود

برنامه‌های درسی
و تربیتی ما که
مجلات رشد هم
حلقه‌ای از منابع
این برنامه‌ها هستند،
باید منسجم،
متعادل، کارآمد،
نشاط‌آفرین، پویا و
انعطاف‌پذیر باشند

ما به دنبال چه
خروجی‌هایی از
آموزش و پرورش
هستیم؟ کلیدواژه
اساسی خروجی
ما، تفکر، تعقل و
اندیشه‌ورزی است

ما فقط مسئول
نیستیم یک مجموعه
محفوظات در اختیار
دانش‌آموزان قرار
دهیم تا بتوانند
در کنکور قبول
شوند، ما باید به
دانش‌آموزان
مهارت‌هایی بیاموزیم
که با آن‌ها زندگی
عادی خودشان را
سروسامان دهند



و مبانی فلسفی، به‌خصوص در مباحث انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی، بسته آموزشی که به دانش‌آموز می‌دهیم، باید یک بسته آموزشی باز باشد، نه بسته؛ یعنی دانش‌آموز خودش هم در تکمیل و کارآمدسازی بسته آموزشی نقش داشته باشد.

کاهش تمرکز

بحث کاهش تمرکز یکی از رویکردهای اساسی در برنامه درسی ملی است که با مبانی کاهش تمرکز در سایر نظام‌های آموزشی کاملاً متفاوت است. فضای نگرشی که باید بر تعلیم و تربیت حاکم باشد تا معلم، دانش‌آموز و خانواده با انگیزه و با نیت تکاملی و تعالی‌جویانه به تعلیم و تربیت بپردازند، اقتضا می‌کند که به سمت کاهش تمرکز برویم. در این‌جا، کاهش تمرکز ارتباط محکمی با مبانی ما پیدا می‌کند.

ساعات رسمی کلاسی و غیر کلاسی

آخرین نکته بحث ما، ساعات رسمی غیر کلاسی و ساعات رسمی کلاسی است که در اختیار استان‌ها، مناطق و مدارس قرار دارد.

در برنامه درسی ملی، ساعات درسی و تربیتی، ساعات و زمان، هم رسمی و هم غیر رسمی است. زمان رسمی آن است که برای آن برنامه‌ریزی می‌کنیم. اما زمان غیر رسمی زمانی است که در اختیار دانش‌آموز قرار دارد. در این‌جا، این مطلب مورد تأکید است که مدرسه و برنامه‌های درسی و تربیتی باید بتوانند تا حد امکان جهت‌گیری و برآیند تربیتی زمان غیر رسمی آموزش را نیز، در جهت اهداف آموزشی و تربیتی که در برنامه درسی ملی است، سوق دهند؛ یعنی هم‌سوسازی زمانی که دانش‌آموز در مدرسه نیست، با زمانی که در مدرسه حضور دارد.

البته ساعات رسمی هم دو گونه تعریف شده است: ساعات رسمی کلاسی و غیر کلاسی. در حال حاضر، ساعات رسمی ما فقط ساعات رسمی کلاسی است. ولی برنامه درسی ملی ساعات رسمی غیر کلاسی را هم تعریف کرده و آن را جزو برنامه درسی و تربیتی قرار داده است. بخشی از این ساعات، در اختیار مدرسه و در اختیار استان و منطقه قرار دارد. به‌طور قطع مجلات رشد می‌توانند براساس این ساعات رسمی غیر کلاسی، برنامه‌ریزی کلان داشته باشند و بخش عمده‌ای از آن را هدایت کنند. کتاب، مجله، سی‌دی و... هر کدام برای دانش‌آموز، معلم و خانواده یک رسانه هستند.

در حال حاضر، این‌ها پراکنده‌اند. انسجام محتوایی و هدفمند باهم ندارند و در یک رابطه اکملی متقابل باهم قرار نمی‌گیرند. بنابراین، در یک نگاه کلان در افق اجرای کامل، اقتضای بحث این است. اما در افق هم‌سوسازی، در مرحله کنونی که ما در آن قرار داریم، وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تصمیم گرفته‌اند که به‌جای اجرای برنامه‌های درسی ملی، یک مرحله هم‌سوسازی را دنبال کنند. فعلاً ما به‌عنوان کارگزارانی که در سازمان پژوهش خدمت می‌کنیم، قاعدتاً باید همراه با افق هم‌سوسازی حرکت و آن را نوعی هم‌سوسازی حداکثری تلقی کنیم.

در هم‌سوسازی مورد نظر ما، اولین مورد، تغییر و تکمیل عناوین مجلات و مخاطبان است. ما در حال حاضر بعضی از حوزه‌های یادگیری را داریم که به‌ازای آن مجله رشد نداریم. در برنامه درسی ملی، خانواده، رکن و شریک اساسی تعلیم و تربیت تلقی شده است. در حال حاضر، غیر از مجله پیوند که انجمن اولیا و مربیان منتشر می‌کند، رسانه‌های مکتوب دیگری نداریم. آیا ما به رشد خانواده نیاز نداریم؛ آن‌هم با همان انعطاف‌پذیری و عدم تمرکز؟

خانواده‌ها نسبت به تربیت دینی، اخلاقی و عقلائی باید چه نقشی را ایفا کنند. در مورد دانش‌آموزان هم ما مخاطبان خود را دوره‌ای تلقی کرده‌ایم. ولی برخی از اقداماتی که انجام می‌شود، اقتضا می‌کند ما پایه‌های تحصیلی متفاوت را - در رسانه‌ای که در اختیار شماست - در جایگاه مستقلی ببینیم. در افق هم‌سوسازی، بحث اصلاح و ارتقای رویکرد مطرح است. ما بحث تلفیق را باید به حد مورد توجه قرار دهیم. نگاه تلفیق بسیار پر مضمون است و باید روی آن تأمل کرد. بحث چرخش در رویکردها از این مقوله است. تلقی از علم که خودش بحث مستقلی را می‌طلبد. مختصر این‌که: امروز تلقی ما از مفهوم علم یا دانش، همان تلقی از علم به‌معنای science یا دانش تجربی است. آن‌هم دانش تجربی مبتنی بر مبانی نظری اومانستی که در غرب تولید شده است.

یک مطالبه از آموزش و پرورش این است که شما باید نسبت به علم، دیدگاهی را به دانش‌آموزان منتقل کنید که برخاسته از دیدگاه‌های فلسفی خودمان باشد. این تلقی، یکی از تلقی‌های بسیار مهم است و بحث بسیار مفصل و مستقلی را می‌طلبد، ولی چرخشی اساسی است که ما در افق هم‌سوسازی باید به آن بپردازیم.